

## به پیکار التقاط

(روش‌شناسی اندیشه اجتماعی شهید مطهری)

سید هادی ساجدی\*

### چکیده:

هر اندیشمندی برای نیل به دانسته‌های خود از روشی برای اندیشه و استنتاج بهره می‌گیرد. این مقاله به بررسی روش استاد مطهری (ره) در تحصیل اندیشه‌های اجتماعی پرداخته و ضمن بیان مراحل مختلف فکری وی به گوشه‌هایی از مهمترین مواضع علمی و اجتماعی وی اشاره می‌کند. این روش‌شناسی شاهراهی به روی اندیشمندان اجتماعی باز کرده و علاوه بر یادگیری روش استاد، مواد خام فراوانی برای اندیشه‌ورزی اجتماعی فراهم می‌کند. دوران رویارویی شهید مطهری با جریان‌های فکری عصر خود، دارای سه مقطع مهم است که شهید در هر یک، سلوکی مناسب با آن شرایط اتخاذ می‌کند. وی دارای مبانی محکم هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی است که خلاصه‌ای از مهمترین آن‌ها در این مجال آمده است. نظام ساختاری این نوشته در بررسی اندیشه‌ها، مبتنی بر مقاله نظریه و فرهنگ استاد پارسانیا می‌باشد.

### واژگان کلیدی:

شهید مطهری، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، روش‌شناسی

---

\* طلبه درس خارج و دانش‌آموخته مدرسه شهیدین (ره)

## زیست‌نامه

شهید مرتضی مطهری در بهمن ۱۲۹۸ در فریمان<sup>۲</sup> به دنیا آمد و در اردیبهشت ۱۳۵۸ در تهران به ضرب گلوله به شهادت رسید. عمر شصت ساله استاد را به لحاظ محل اقامت می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد. استاد به ترتیب سیزده سال در فریمان (۱۲۹۸-۱۳۱۲)، چهار سال در مشهد (۱۳۱۲-۱۳۱۶)، پانزده سال در قم (۱۳۱۶-۱۳۳۱) و در پایان به مدت بیست و هشت سال (۱۳۳۱-۱۳۵۸) در تهران اقامت گزید. گرچه هر یک از این چهار دوره به نوبه خود در روند شکل‌گیری شخصیت استاد نقش داشته است، اما دوران اقامت در تهران شاخص‌ترین دوران زندگی این متفکر است، بنابراین سه دوره اول، دوران خودسازی و شکل‌گیری استاد و دوره چهارم، دوران درگیری مستقیم وی با چالش‌های فکری و اجتماعی است.

## ویژگی‌ها و انگیزه‌های فردی

شهید مطهری در خانواده‌ای اهل علم به دنیا آمد. علقه‌های دینی و معارف تشیع در همان سنین کودکی با گوشت و خون او عجین می‌شود. پدرش فارغ‌التحصیل حوزه نجف و بسیار اهل تقوی و سلوک عارفانه است. مرتضی بسیار تحت تاثیر پدر قرار می‌گیرد. او می‌گوید:

«این اثر ناچیز [داستان راستان] را به پدر بزرگوارم آقای حاج شیخ محمد

حسین مطهری (دامت برکاته) که اولین بار ایمان و تقوا و عمل صالح و راستی

معظم‌له مرا به راه راست آشنا ساخت، اهداء می‌کنم.»<sup>۳</sup>

شهید مطهری در سیزده سالگی دچار یک تحول و دغدغه روحی می‌شود. او

---

۲. فریمان روستایی در استان خراسان رضوی و در فاصله هفتاد و پنج کیلومتری مشهد بوده که اکنون

به شهر تبدیل شده است.

۳. مقدمه جلد اول داستان راستان.



می گوید:

«تا آنجا که من از تحولات روحی خودم به یاد دارم از سن سیزده سالگی این دغدغه در من پیدا شد و حساسیت عجیبی نسبت به مسائل مربوط به خدا پیدا کرده بودم. پرسشها- البته متناسب با سطح فکری آن دوره- یکی پس از دیگری بر اندیشه‌ام هجوم می‌آورد.»<sup>۴</sup>

مرتضی این دغدغه را با خود از مشهد به قم می‌برد:

«در سالهای اوّل مهاجرت به قم که هنوز از مقدمات عربی فارغ نشده بودم، چنان در این اندیشه‌ها غرق بودم که شدیداً میل به «تنهایی» در من پدید آمده بود. وجود هم حجره را تحمل نمی‌کردم و حجره فوقانی عالی را به نیم حجره‌ای دخمه مانند، تبدیل کردم که تنها با اندیشه‌های خودم بسر برم. در آن وقت نمی‌خواستم در ساعات فراغت از درس و مباحثه به موضوع دیگری بیاندیشم.»<sup>۵</sup>

دو مولفه بارز از همان ابتدا در وجود شهید مطهری پدیدار است و با گذر زمان مسیر حرکت او را رقم می‌زند. او علاقه وافری به کسب علم و دانش دارد. گفته شده که او در هنگام تدریس آنچنان مجذوب بحث می‌شد که از اطراف خود غافل بود. دیگر اینکه او دلبستگی زیادی به اسلام و معارف اسلامی داشت و همین امر باعث شد تا در آن شرایط اختناق رضاخانی و علی رغم خواسته دوستان و آشنایان به قم هجرت کند.<sup>۶</sup>

شهید مطهری مباحث فلسفی، عرفانی و کلامی را عظیم‌ترین و فخیم‌ترین مباحث علمی می‌دانست. او می‌گوید:

۴. مرتضی مطهری، علل گرایش به مادی‌گری، ص ۹.

۵. همان، ص ۹.

۶. محمد حسین واتقی، مصلح بیدار، ج ۱، ص ۳۰.

«به یاد دارم که از همان آغاز طلبگی که در مشهد مقدمات عربی می‌خواندم، فیلسوفان و عارفان و متکلمان - هر چند با اندیشه‌هایشان آشنا نبودم - از سایر علما و دانشمندان و از مخترعان و مکتشفان در نظرم عظیم‌تر و فخیم‌تر می‌نمودند تنها به این دلیل که آن‌ها را قهرمانان صحنه این اندیشه‌ها می‌دانستم.»<sup>۷</sup>

او نسبت به مشکلات و معضلات جامعه اسلامی و همچنین روحانیت دغدغه داشت و در پی یافتن راه‌حلی برای آنها می‌اندیشید. از جمله این مسائل بررسی علل انحطاط مسلمین است. او می‌گوید:

«اینجانب درست به یاد ندارد که از چه وقت با مسأله علل انحطاط مسلمین آشنا شده‌ام و از چه زمانی شخصا به بحث و تحقیق در این مسأله علاقمند گردیده‌ام و درباره آن فکر می‌کرده‌ام؛ ولی می‌تواند به طور یقین ادعا کند که متجاوز از بیست سال است که این مسأله نظر او را جلب کرده و کم و بیش در اطراف آن فکر می‌کرده و یا نوشته‌های از آن زمان تاکنون هر وقت به گفته یا نوشته‌ای در این موضوع برمی‌خوردم، با علاقه می‌خواندم و یا گوش می‌کردم، و خیلی مایل بودم رأی و نظر گوینده یا نویسنده را دریابم.»<sup>۸</sup>

شهید در نوشته‌هایش به موضوع روحانیت و مرجعیت پرداخته و در پی اصلاح و تعالی این دو نهاد می‌باشد.<sup>۹</sup>

۷. مرتضی مطهری، *علل گرایش به مادی‌گری*، ص ۹.

۸. مرتضی مطهری، *انسان و سرنوشت*، مقدمه عظمت و انحطاط مسلمین.

۹. چاپ و انتشار کتاب «*بحثی درباره مرجعیت و روحانیت*» در سال ۱۳۴۱.



## پیشینه تاریخی

پس از جریان مشروطه، دین به شدت مورد هجوم قرار می‌گیرد و با روی کار آمدن رضاخان و حمایت استعمار انگلیس از او استبداد قدرت دوباره می‌گیرد. رضاخان به طور علنی به مبارزه با علماء، حوزه‌ها و مظاهر دینی مانند حجاب و مجالس روضه‌خوانی می‌پردازد. در حالی که تکیه استبداد پهلوی به غرب لیبرال و اندیشه‌های سکولار آن بود، زمینه‌های اندیشه‌های مارکسیستی در ایران شکل می‌گیرد. مارکسیسم پس از شهریور ۱۳۲۰، به عنوان قدرتی رقیب برای تئوری‌های لیبرال و سرمایه‌داری مطرح می‌شود، گرچه در تقابل با دین با آن‌ها همسوست.<sup>۱۰</sup>

شهید مطهری در دوره‌ای متولد می‌شود که چندین جریان اجتماعی در جامعه ایران وجود دارند. اول نهاد دین است که توسط علما نمایندگی و هدایت می‌شود و اکنون به کنج انزوا و فشار محکوم شده است. دوم قدرت استبداد که معجونی است از قدرت طلبی رضاخان و اندیشه‌های غرب لیبرال. سوم جریان مارکسیست است که معمولاً در شکل اپوزسیون استبداد ظاهر می‌شود. چهارم جریان روشنفکران مبتنی بر اندیشه‌های غرب لیبرال است که با حکومت پهلوی به دلیل استبداد و دیکتاتوری مخالف هستند.

این چهار جریان فکری پس از مشروطه تا انقلاب اسلامی و پس از آن در جامعه ایران حضور دارند و به طور دائم در تعارض با یکدیگر و در نوسان قدرت هستند. گاهی ترکیبی از این جریان‌ها در عرصه اجتماعی ظهور می‌کند. با این پیشینه تاریخی و دورنمای فضای جامعه ایران، به آسانی می‌توان به فهم و تحلیل اندیشه‌ها و سلوک شهید مطهری دست یافت.<sup>۱۱</sup>

۱۰. حمید پارسانیا، حدیث پیمانه پژوهشی در انقلاب اسلامی، ص ۲۴۹.

۱۱. برگرفته از کتاب هفت موج اصلاحات اثر حمید پارسانیا.



## اقامت در تهران و دو چرخش

برخی نویسندگان اقامت بیست و هشت ساله شهید مطهری در تهران را به سه دوره تقسیم می‌کنند<sup>۱۲</sup>. دلیل اساسی این تقسیم، تغییراتی است که در جامعه ایران رخ می‌دهد. دو نقطه عطف در این سال‌ها وجود دارند که موجب چرخش مسیر حرکت‌های دینی یا مرتبط با دین می‌شوند. اولین چرخش در سال ۴۲ رخ می‌دهد و چرخش دوم در اوایل دهه پنجاه یعنی مقارن با سال‌های ۵۰ و ۵۱ وارد عرصه سیاسی و اجتماعی ایران می‌شود.

در این دوران عمده‌ترین مرکز مذهبی جامعه، قدرت مرجعیت آیت‌الله بروجردی در قم است، اما در عرصه فعالیت سیاسی دو جریان فدائیان اسلام و آیت‌الله کاشانی به عنوان مدافعان مذهب به ایفای نقش می‌پردازند. شهید مطهری این دوران را در قم می‌گذراند و با فدائیان اسلام در ارتباط می‌باشد. بر اساس آنچه از نیروهای موجود در جامعه ایران نام بردیم، دو جریان مذهبی و تحصیل‌کردگان غربی با گرایش‌های لیبرالی در قالب جبهه ملی با هم همراه شده و در مقابل قدرت استبداد به مبارزه پرداخته و موجب ملی‌شدن صنعت نفت شدند.

## فریاد فروخته

با کودتای امریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد ۳۲ روندی جدید در تعامل نیروهای اجتماعی ایران شکل می‌گیرد که تقریباً به گونه‌ای یکسان تا سال ۴۲ ادامه می‌یابد. در این دوران ابتکار عمل برای تغییر نسبت نیروها در دست استبداد است که در اثر قدرت گرفتن امریکا پس از جنگ جهانی دوم و در سطح معادلات جهانی میان بلوک شرق و غرب، در قلمرو نفوذ غرب قرار می‌گیرد. این امر موجب حذف شوروی از

۱۲. رک: محمد حسین واتقی، مصلح بیدار، ج ۱ و تقی آزاد ارمکی، تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام،



صحنه سیاسی ایران می‌گردد.

با قدرت یافتن استبداد سه جریان دیگر به حاشیه رانده می‌شوند. حزب توده که نماینده تفکر مارکسیستی است ناگزیر به سکوت، سازش و یا تبعید شد. جبهه ملی و تفکرات لیبرالی با سقوط مصدق از عرصه قدرت کنار رفت. جریان مذهبی نیز با تبعید آیت‌الله کاشانی و اعدام سران فدائیان اسلام به کنار رانده شد.<sup>۱۳</sup>

با آنکه شهید مطهری یک سال قبل از کودتا به تهران آمده است، اما عملاً در دوره اول حضورش در تهران در شرایط پس از کودتا به سر می‌برد. برای فهم دقیق رویکرد او باید ابتدا فضای فکری موجود در جامعه آن روز را ترسیم کنیم. مهمترین مولفه برای درک این دوران توجه به فشاری است که سال‌ها بر نیروی مذهبی سنگینی می‌کند.

از سوی دیگر ترویج اندیشه‌های غربی پس از شهریور ۲۰، در قالب دو جریان چپ و راست، جوانان را به سوی خود جذب می‌کند و در آن‌ها احساس ضد دینی و باور به خرافاتی و مرتجع بودن دین تزریق می‌کند. در چنین فضایی نیروهای اصیل مذهبی نیز در اثر دوری از شرایط جدید و غور در مباحث سنتی حوزه، قدرت رویارویی، هم‌زبانی و درک پرسش‌های نوظهور را کمتر به دست آورده است.

نکته بسیار مهم دیگر اینکه علمای مشروطه‌خواه تنها رقیب خود در جریان مشروطه را قدرت سنتی ایلات می‌دانستند و از حضور نیروهای غرب‌زده سکولار غافل شدند. برخی نظریه‌پردازان مشروطه پس از شکست نیز متوجه عمق حادثه نشدند. آنان گمان کردند که از استبداد شکست خورده‌اند و هنوز وقت آن نرسیده تا دین در حرکتی فعال و روبه جلو وارد عرصه اجتماعی گردد. میرزای نائینی پس از آن، حرکت فعال و مثبت سیاسی را کنار گذارد و در مسند تدریس فقه و اصول قرار

۱۳. حمید پارسائیان، حدیث پیمانه پژوهشی در انقلاب اسلامی، ص ۲۷۲.



گرفت. این رویه‌ی میرزا، پس از او در مرجعیت شیعه و از جمله در بین شاگردان او به تدریج مقبول افتاد.<sup>۱۴</sup> از این رو پرداختن به مسائل اجتماعی در حوزه‌ها محدود به سطوح پایین‌تر گردید و به ویژه در میان طلاب نگاهی منفی به این امور شکل گرفت. نکته دیگری که بیشتر مورد تاکید استبداد حاکم قرار داشت، تاکید بر تمدن باستانی ایران و شکست ایرانیان در مقابل اعرابی است که به آنان حمله کرده و بر ایشان مسلط شده بودند. این تفکر ناسیونالیستی که خواستگاهی غربی دارد از زمان رضاخان شروع و در زمان محمد رضا ادامه می‌یابد. جشن‌های ۲۵۰۰ ساله نشانه روشن تاکید حکومت بر این مساله است. زنده کردن احساسات ناسیونالیستی و کارکرد مهم برای حکومت پهلوی در بر داشت. اول این‌که از آن به عنوان نیرویی وحدت‌بخش و انسجام آفرین به جامعه استفاده می‌شود و دوم ابزار خوبی برای مقابله با اسلام و غیر خودی دانستن آن بود.

شهید مطهری در این مورد می‌گوید:

«همه می‌دانیم که در این اواخر افرادی بشمار تحت عنوان دفاع از ملیت و قومیت ایرانی مبارزه وسیعی را علیه اسلام آغاز کرده‌اند و در زیر نقاب مبارزه با عرب و عربیت مقدسات اسلامی را به باد اهانت گرفته‌اند. آثار این مبارزه با اسلام را که در ایران در کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مجلات هفتگی و غیره می‌بینیم نشان می‌دهد یک امر اتفاقی و تصادفی نیست، یک نقشه حساب شده است و منظوری در کار است.... جوانان خام و بی‌خرد را می‌توان با تحریک احساسات و تعصبات قومی و نژادی و وطنی علیه اسلام برانگیخت و رابطه آنان را با اسلام قطع کرد.»<sup>۱۵</sup>

اکنون با ملاحظه این شرایط می‌توان به راحتی درک کرد که استاد شهید چه

۱۴. حمید پارسانیا، هفت موج اصلاحات، ص ۵۴-۵۵.

۱۵. مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، مقدمه.





مسیری را در پیش خواهد گرفت. این دوره از زندگی شهید دو مولفه بارز دارد. اولین نکته آشنا شدن با دنیای جدید فکری ایران است. گرچه حرکت آشنایی با فلسفه و تفکرات غربی در حوزه علمیه توسط علامه طباطبایی از قبل آغاز شده بود و شهید در آن جلسات حضور داشت، اما حضورش در تهران به او فرصت آشنایی عمیق‌تر و جدی‌تر با فلسفه ماتریالیستی و تفکرات اجتماعی آنان را داد. در این دوره استاد از نزدیک با شرایط حاکم بر فضای روشنفکری و کسانی که با عمق جان به اندیشه‌های غربی باور دارند، آشنا می‌شود. برخی این دوره از زندگی شهید را دوره «فلسفه تطبیقی و فلسفه اسلامی» می‌نامند<sup>۱۶</sup>.

شهید می‌گوید:

«بعضی از کتاب‌های ارانی را آنقدر مکرر خوانده بودم که جمله‌ها در ذهنم نقش بسته بود. در سال ۲۹ یا ۳۰ بود که کتاب اصول مقدماتی فلسفه ژرژ پولیتسر استاد دانشکده کارگری پاریس به دستم رسید. برای اینکه مطالب کتاب در حافظه‌ام بماند، همه مطالب را خلاصه کردم و نوشتم. هم اکنون یادداشت‌ها و خلاصه‌هایی را که از آن کتاب و کتاب ماتریالیسم دیالکتیک ارانی برداشته‌ام، دارم.»<sup>۱۷</sup>

مولفه دوم این دوره که از اهمیت فراوانی برخوردار است را می‌توان فریاد فروخته‌شده نامید. نیروی مذهبی سال‌هاست که تحت فشار و تهمت قرار دارد. این عوامل باعث می‌شود حضور در میدان جدید و استفاده از سلاح نوین، تنها در توان

---

۱۶. تقی آزاد ارمکی، تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، ص ۴۴۵، البته آن‌چه مد نظر ماست همان تعبیر فلسفه تطبیقی است. در مورد تعبیر فلسفه اسلامی باید دقت بیشتری کرد. در سطور آینده به دومین مولفه از دوره اول اقامت شهید در تهران خواهیم پرداخت که شاید مراد نویسنده از تعبیر فلسفه اسلامی آن نکات باشد؛ البته در این صورت این تعبیر کاملاً نخواهد بود.

۱۷. مرتضی مطهری، علل گرایش به مادی‌گری، ص ۱۱.



مردانی ژرف و آزموده باشد که از سویی دارای آشنایی عمیق با معارف اسلامی و از سوی دیگر مورد اعتماد نیروی مذهبی سنتی باشند. در این دوره استاد مطهری تمام تلاش خود را معطوف پاسخ‌گویی به شبهات، اتهامات و انگ‌هایی می‌کند که سال‌هاست به دین و مذهب نسبت داده می‌شود.

در سال‌های ۳۲، ۳۳ و ۳۵ سه جلد از کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم به انتشار می‌رسد. این کتاب از چنان شیوه برهانی و فلسفی قوی برخوردار است که هنوز پس از چند دهه، الگویی است برای تمام کتاب‌های دیگری که نیروی مذهبی در برابر حرکت‌های فکری روشنفکرانه چپ و راست می‌نگارد. گویاترین گواه بر عظمت علمی این کتاب آن است که هرگز هیچ یک از جریان‌های چپ و راست جامعه قدرت نقد این کتاب را نیافتند.<sup>۱۸</sup>

برخی<sup>۱۹</sup> این دوره را دوره شروع آثار قلمی ایشان به صورت مقاله و کتاب، آغاز سخنرانی‌های تحقیقی در تهران و شروع تدریس در دانشکده الهیات می‌دانند.

### به پیکار التقاط

این دوره از حیات شهید از سال ۴۲ آغاز و تا اوایل دهه پنجاه ادامه می‌یابد. زمینه شروع این دوره را می‌توان با رحلت آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۴۰ ردیابی کرد. مرجعیت عام و جایگاه اجتماعی ایشان مانع بسیاری از سیاست‌های ضد دینی رژیم بود. با رحلت ایشان این مانع بزرگ از سر راه برداشته شد. دربار در اولین واکنش بر آن شد تا مرجعیت را از قم به نجف منتقل کند<sup>۲۰</sup> و در مرحله بعد حمله سنگین خود بر دین و نیروی مذهبی را آغاز کرد.

۱۸. حمید پارسانیا، حدیث پیمانہ پژوهشی در انقلاب اسلامی، ص ۲۹۹.

۱۹. محمد حسین واتقی، مصلح بیدار، ص ۵۴-۵۵.

۲۰. حمید پارسانیا، حدیث پیمانہ پژوهشی در انقلاب اسلامی، ص ۲۷۶.



با شروع فشار فزاینده دربار و دهن‌کجی به دین، عملاً تقابل دربار و نیروی مذهبی وارد دوران جدیدی می‌شود. حذف برخی از شروط متمم قانون اساسی از جمله تدین یا سوگند به قرآن، اجرای سیاست‌کندی، رئیس‌جمهور وقت امریکا به نام انقلاب سفید<sup>۲۱</sup> و در مقابل مقاومت همه‌جانبه مراجع دینی و در راس همه حضور جدی امام خمینی (ره)، واقعه فیضیه پس از بهمن ۴۱ و جریان دستگیری و بازداشت طلاب و اعزام اجباری آن‌ها به پادگان‌ها<sup>۲۲</sup> این رویارویی را شدت می‌بخشد. مبارزات همچنان ادامه دارد تا منجر به قیام پانزده خرداد ۴۲ و کشتار وسیع نیروی مذهبی و در پی آن دستگیری امام خمینی (ره) می‌شود. چیزی از آزادی امام از زندان نگذشته که دربار به خیال عقب‌نشینی نیروی مذهبی، دست به تصویب ماده واحده‌ای به نام کاپیتولاسیون<sup>۲۳</sup> می‌زند. موضع‌گیری شدید امام منجر به تبعید ایشان به ترکیه و سپس عراق می‌شود.

این حوادث چند تحول بزرگ را در پی دارد. نیروی مذهبی که پس از مشروطه تنها در سطوح پایین خود وارد عرصه اجتماعی و سیاسی شده بود، پس از سال‌ها در بالاترین سطح یعنی مرجعیت شیعه وارد میدان مبارزه شده است. این مساله به نوبه خود باعث می‌شود نیروی مذهبی که در جمع مخالفان رژیم، ضعیف و حاشیه‌نشین انگاشته می‌شد به محور مبارزه علیه استبداد بدل شود و ابتکار عمل را به دست گیرد. با محوریت یافتن اندیشه‌های مذهبی و به نمایش در آمدن توان دین در بسیج نیروهای جامعه، توجه روشنفکران و دیگر مخالفان استبداد به شدت متوجه قدرت دین می‌شود. گر چه توجه روشنفکران به دین و اندیشیدن پیرامون آن در وهله اول

۲۱. حمید پارسائیان، حدیث پیمانه پژوهشی در انقلاب اسلامی، ص ۲۷۷.

۲۲. محمد حسین واقفی، مصلح بیدار، ج ۱، ص ۵۸.

۲۳. در حقیقت محتوای کاپیتولاسیون، «مصونیت اتباع امریکایی از قوانین ایران» است. با تصویب این ماده واحده استقلال قضایی و سیاسی ایران پایمال شد و ایران آشکارا به صورت مستعمره درآمد.



دستاوردی برای نیروی مذهبی به نظر می‌رسد؛ اما رفته رفته خود به مشکلی برای نیروی مذهبی بدل می‌شود. روشنفکران پس از آن که قدرت عظیم اجتماعی مذهب را مشاهده کردند و تحت تاثیر جاذبه‌های آن قرار گرفتند، به بررسی و دقت در آن اهتمام ورزیدند. ره‌آورد این تحلیل که حاصل نگاه نوین آنهاست، دین و مذهبی روشنفکرانه است؛ بدین بیان که روشنفکر وقتی خوش‌بینانه به مذهب می‌نگرد، به بازسازی و تهذیب مذهب به گونه‌ای موافق با معرفت و آگاهی خود می‌پردازد و چون افق معرفت روشنفکر در چارچوب حس‌گرایی و یا عقل‌گرایی غربی است، در این نگاه به انکار یا توجیه تمام راز و رمزهایی می‌پردازد که تنها از طریق معرفتی برتر دریافتنی است.<sup>۲۴</sup>

البته تاثیر حرکت مذهبی سال ۴۲ به بُعد فکری منحصر نماند، بلکه از جهت سیاسی نیز بر روشنفکران تاثیرگذار بود. نسل جوانی که در دامن آموزش‌های چپ و راست روشنفکران تربیت یافته بودند، تحت تاثیر جاذبه‌های جدید حرکت سیاسی امام ناگزیر به سوی سیاست‌های تندتری گرویدند. این جریان به ایجاد برخی از تشکل‌های سیاسی چریکی روی آورد که بیشتر، از حرکت‌های چپ دهه‌های پنجاه و شصت میلادی در کشورهای آسیای جنوب‌شرقی و یا آمریکای جنوبی الهام می‌گرفت. بدین سان، نسل گذشته این جریان با پافشاری بر سیاست‌های پیشین در انزوای کامل باقی ماند.<sup>۲۵</sup>

با عطف توجه به تغییرات اجتماعی حاصل شده در جامعه ایران، ابعاد رفتاری و سلوک اجتماعی شهید نیز دارای دو ویژگی جدید می‌شود. ویژگی اول را می‌توان گسترش ابعاد فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و خدمات فرهنگی دانست. صحنه‌گردان تحولات منجر به پانزده خرداد ۴۲، حوزه علمیه و در راس آن امام خمینی (ره) است.

۲۴. حمید پارسانیا، حدیث پیمانه پژوهشی در انقلاب اسلامی، ص ۲۸۷.

۲۵. همان، ص ۲۸۵.



شهید مطهری از بارزترین شاگردان حوزه و امام است، از این رو بسیار طبیعی است که شهید عملاً وارد فعالیت‌های موثر اجتماعی شده و در کنار تلاش‌های علمی و فکری، به دنبال پیگیری اهداف اسلامی باشد.

شهید خود از فعالان قیام پانزده خرداد است و رژیم تنها به گوشه‌ای از فعالیت‌های استاد پی برده بود و او را حدود چهل و سه روز در زندان نگه داشتند.<sup>۲۶</sup> در مدتی که طلاب بازداشتی در پادگان باغشاه بودند، استاد به طور مرتب به دیدار آن‌ها می‌رفت و به راهنمایی آن‌ها می‌پرداخت.<sup>۲۷</sup> نقش دیگر استاد در این دوران برقراری ارتباط بین مردم و امام تبعید شده و پیگیری خط مبارزه امام در ایران بود. بعد از تبعید امام، هسته‌های مرکزی جامعه روحانیت در قم و تهران به وجود آمد؛ و جامعه روحانیت مبارز تشکیل شد که استاد از بنیان‌گذاران آن بود.<sup>۲۸</sup> هیأت‌های مولف‌گه تصمیم گرفتند شاخه نظامی تشکیل دهند و سران رژیم آمریکایی شاه را اعدام کنند. استاد مطهری که فقیه و رهبر روحانی هیأت‌های مولف‌گه بود اقدام مزبور را تصویب کرد و این اقدام منجر به قتل منصور نخست‌وزیر وقت شد. استاد پس از این واقعه تحت مراقبت ساواک قرار گرفت.<sup>۲۹</sup>

در این دوره است که استاد اقدام به تاسیس حسینیه ارشاد می‌کند تا مرکزی علمی و تحقیقی برای آموزش معارف اسلامی باشد. استاد با جدایی از حسینیه ارشاد، برنامه‌های تبلیغی مسجد الجواد را زیر نظر می‌گیرد و در اغلب موارد خود سخنران اصلی آنجاست.<sup>۳۰</sup> از دیگر اقدامات وی در این دوران، صدور اعلامیه‌ای مشترک مبنی

---

۲۶. مجتبی مطهری، پدر شهیدم

۲۷. محمد حسین واتقی، مصلح بیدار، ص ۵۸.

۲۸. همان، ص ۶۱.

۲۹. همان، ص ۶۲.

۳۰. همان، ص ۶۹.



بر جمع اعانه برای کمک به آوارگان فلسطینی است.<sup>۳۱</sup>

ویژگی اول این دوران بیشتر مربوط به فعالیت‌های عملی استاد است، اما تغییرات پیش‌آمده در این مرحله از تاریخ موجب می‌شود استاد نیز به تناسب شرایط جدید تغییری در سلوک فکری و اندیشه‌ای خود ایجاد کند. گرایش روشنفکران به مباحث مذهبی و تفسیر روشنفکرانه از دین پدیده‌ای به نام التقاط را رقم می‌زند. البته نباید فراموش کرد که حرکت‌های نوگرایانه قبل از خرداد ۴۲ نیز وجود دارند اما پس از حوادث سال ۴۲ رنگ و بویی دیگر به خود می‌گیرند. این حرکت‌ها حد فاصل سال‌های ۲۰ تا ۴۲ با آن‌که بخش‌هایی از نیروهای روشنفکر را گرد خود می‌آورند، اما با توجه به ستیز مستقیم بخش عمده نیروهای روشنفکر با دین، قادر به شکل‌دهی جریان اجتماعی درخور توجهی نیستند. از سوی دیگر این فعالیت‌ها مورد مخالفت نیروی مذهبی نبود؛ چرا که نیروی مذهبی چنین توجیحات علمی را در حد فلسفه احکام پذیرا بود و طرح این مباحث را برای درهم شکستن صولت الحاد روشنفکران سودمند می‌دانست.<sup>۳۲</sup>

در سال‌های پس از ۱۳۴۲ توجیه روشنفکرانه از دین به صورت نیازی اجتماعی بروز می‌کند و در دیگر سو این توجیحات از قالب بیان فلسفه احکام خارج شده و وارد مرحله بیان حکم دینی بر اساس فلسفه یا علم مدرن می‌شود. اینجاست که امثال شهید احساس خطر می‌کنند و عرصه مبارزه جدیدی آغاز می‌شود. در واقع استاد آغازگر مبارزه با التقاطی‌های چپ و راست بود و با توجه به شناخت عمیقی که از

---

۳۱. این اطلاعیه با امضای مرتضی مطهری، علامه طباطبایی و حاج سید ابوالفضل مجتهد زنجانی منتشر شد. استاد در این باره در سخنرانی خود در حسینیه ارشاد چنین می‌گوید: «هر چند اگر تمام پول مسلمانان را جمع کنند، به اندازه ثروت دو نفر صهیونیست دزد که پول‌های دنیا را می‌زدند نخواهند شد، لکن شما مسلمانی خود را نشان داده‌اید.»

۳۲. حمید پارسا، حدیث پیمان‌ه پژوهشی در انقلاب اسلامی، ص ۳۰۲ - ۳۰۳.



اسلام داشت، با جهت‌دهی قدرت قلم و اندیشه‌ی خود برای دفاع از دین به پیکار التقاط می‌رود. کتاب عمیق جاذبه و دافعه علی علیه السلام گذشته از آن‌که سیمای تابناک حضرت را معرفی می‌کند، به بررسی یکی از بزرگ‌ترین انحرافات و دردها یعنی غرب‌زدگی پرداخته است.

از دیگر آثار شاخص این دوران کتاب علل گرایش به مادی‌گری است که استاد در این کتاب به مبارزه با طرز تفکر الحادی و التقاطی پرداخته است. نمونه دیگر، کتاب ارزشمند خدمات متقابل اسلام و ایران است. این کتاب در حقیقت پاسخی به گسترش جریان ناسیونالیستی و زرتشتی‌گری در ایران می‌باشد. دکتر ارمکی می‌گوید:

«مطهری در این دوره به طرح و بررسی مسائل و مشکلات که توسط روشنفکران، ناسیونالیست‌ها و مارکسیست‌ها مطرح شده می‌پردازد.»<sup>۳۳</sup>

البته نباید فراموش کرد که یکی از راه‌های مبارزه با التقاط، ارائه مکتبی الهی و کارآمد است که بتواند جوابگوی نیازهای فکری جامعه باشد. استاد در این‌باره می‌گوید:

«اگر بررسی‌های گذشته را ملاک قرار دهیم باید اولاً مکتب الهی را به طور معقول و علمی و استدلالی صحیح عرضه بداریم: به خداوند تصویر انسانی ندهیم، برایش چشم و گوش نسازیم، میان چشم چپش و چشم راستش فاصله معین نکنیم، او را در لابراتوارها و یا در بالای ابرها و ما فوق آسمانها و در قعر دریاها جستجو نکنیم،... و خلاصه جلوی هرگونه لغزش فکری را در مسائل الهیات بگیریم. البته این کار وقتی میسر است که به یک مکتب استدلالی سیستماتیک الهی که پاسخگوی این نیاز باشد، بییوندم. معارف اسلامی از این نظر فوق العاده غنی است و می‌تواند پاسخگوی خوبی به این نیاز باشد.»<sup>۳۴</sup>

۳۳. تقی آزاد ارمکی، تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، ص ۴۴۷.

۳۴. مرتضی مطهری، علل گرایش به مادی‌گری، ص ۱۹۰.



## طرح‌ریزی نقشه جامع

این دوره که از اوایل دهه پنجاه شروع شده و تا شهادت استاد ادامه دارد، پر فروغ‌ترین و تاثیرگذارترین سال‌های زندگی استاد است. سه ویژگی بارز در این مرحله از زندگی استاد وجود دارند، یکی بدیع و منحصر به همین دوران است و دو ویژگی دیگر شدت‌یافته‌ی دو ویژگی دوره قبل است.

فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی استاد که حدود سال ۴۲ شکل جدی به خود می‌گیرند، در این دوره به شدت گسترش یافته و هر چه به انقلاب اسلامی نزدیک می‌شوند اهمیت ویژه‌ای می‌یابند. و البته این تلاش‌ها در سایه‌ی فشار بیشتر حکومت ادامه می‌یابد. رژیم شاه در سال ۱۳۵۱ برنامه‌های مسجد الجواد و چندی پس از آن حسینیه ارشاد را تعطیل کرد و متعاقب آن، استاد دستگیر و زندانی و پس از مدتی آزاد گردید. استاد در سال ۱۳۵۴ از سوی رژیم شاه ممنوع‌المنبر شد. او همچنان به عنوان رابطی بین امام و مردم فعال بود و در سال ۱۳۵۵ توانست با مشکلات زیادی که در پیش داشت خود را به نجف برساند<sup>۳۵</sup> و رهنمودهای امام در مورد مسائل مختلف را به ایران منتقل کند.

پس از شهادت حاج آقا مصطفی خمینی، نقش جامعه روحانیت تهران در پیشبرد انقلاب اسلامی بسیار موثر واقع شد. در این میان استاد مطهری با رهنمودهای خود سهم بسزایی داشت؛ به طوری که تصمیم‌گیری‌های بسیار مهم و اعلامیه‌های جامعه روحانیت در مورد راهپیمایی‌ها و دیگر مسایل، به نظر و تصویب ایشان می‌رسید.<sup>۳۶</sup> فعالیت‌های استاد همگام با اوج‌گیری انقلاب لحظه به لحظه بیشتر می‌شود تا آنجا که او پس از مسافرت امام به پاریس به حضور ایشان رسیده و فرمان تشکیل شورای

۳۵. محمد حسین واثقی، مصلح بیدار، ص ۷۰.

۳۶. همان، ص ۷۱.



انقلاب را از ایشان دریافت می‌کند.<sup>۳۷</sup>

در این دوره پیکار استاد با جریان‌های التقاطی نیز شدت می‌یابد. استاد پارسانیا حرکت‌های روشنفکرانه سال‌های پایانی دهه چهل و آغاز دهه پنجاه را در نگاهی کلی در قالب چهار عنوان طرح می‌کند:

- جریانی که بر اساس علوم طبیعی و زیستی به تفسیر روشنفکرانه دین می‌پردازد.
- حرکتی که متأثر از آموزش‌های مارکسیستی و با علمی دانستن مارکسیست به تفسیر علمی دین می‌پرداخت.
- دیدگاهی که متأثر از اندیشه اقبال لاهوری بود.
- بازگشت به خویشتن و رویکرد جامعه‌شناختی به دین و تاثر از دیدگاه‌های کلاسیک سده بیستم.<sup>۳۸</sup>

استاد به موازات مبارزه با استبداد حاکم در ایران، نسبت به هر چهار جریان حساسیت دارد و در عین پذیرش سخنان درست هر یک، به نقد و بررسی آن‌ها می‌پردازد. شاخص‌ترین شخصیت جریان اول، مهندس بازرگان است. تفسیر دین بر اساس علوم طبیعی و زیستی پس از حوادث ۴۲ در حاشیه قرار دارد و توجه اندکی از سوی روشنفکران به آن می‌شود. از این رو استاد نیز کم‌تر به این مباحث می‌پردازد. استاد در کتاب انسان و ایمان از مجموعه مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی به این موضوع می‌پردازد. جریان التقاط مارکسیستی به دلیل موضع اپوزیسیونی و انقلابی‌اش بسیار پر طرفدار بود و غالباً جوانان دغدغه‌دار و دلسوز را به خود جذب می‌کرد. سهم عمده‌ای از مباحث استاد در این دوره به پاس‌خگویی شبهات و نقد این جریان اختصاص دارد. شهید در کتاب‌های نقد مارکسیسم، فلسفه تاریخ، علل گرایش به مادی‌گری، جامعه و تاریخ، اصول فلسفه و روش رئالیسم، نظری به نظام اقتصادی

---

۳۷. محمد حسین واتقی، مصلح بیدار، ص ۷۲.

۳۸. حمید پارسانیا، حدیث پیمانه پژوهشی در انقلاب اسلامی، ص ۳۰۵.



اسلام، به طور گسترده و در باقی آثار خود به شکل پراکنده به این جریان پرداخته است.

جریان دیگر، گرایش به اندیشه‌های اقبال لاهوری است. اندیشه‌های اقبال در دو دهه چهل و پنجاه در حالی که حدود نیم قرن از حیات علمی او در هند و پاکستان می‌گذرد، مورد توجه برخی روشنفکران قرار می‌گیرد. استاد در بسیاری از موارد، نظرات اقبال را طرح و مورد تأیید یا توضیح قرار می‌دهد و برخی اندیشه‌های او را به نقد می‌کشد. او در کتاب نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر فصلی را به اقبال اختصاص داده و پس از ذکر ده مزیت<sup>۳۹</sup> کار او، دو نقص عمده‌اش را نیز ذکر می‌کند. او می‌گوید:

«نقصی که در کار اقبال است عمده در دو چیز است: یکی این‌که با فرهنگ اسلامی عمیقاً آشنا نیست... از فلسفه اسلامی چیزی درستی نمی‌داند. اظهار نظرهای اقبال درباره براهین فلسفی اثبات واجب و درباره علم قبل‌الایجاد که از مسائل مهم الهیات است و همچنین فلسفه او درباره ختم نبوت - که به جای آن‌که ختم نبوت را اثبات کند، به ختم دیانت منتهی می‌شود که خلاف منظور و مدعای خود اقبال است - دلیل ناآگاهی اقبال از فلسفه اسلامی است، همچنان که در زمینه سایر علوم و معارف اسلامی نیز مطالعاتش سطحی است... نقص دیگر کار اقبال این است که برخلاف سید جمال به کشورهای اسلامی مسافرت نکرده و از نزدیک شاهد اوضاع جریان‌ها و حرکت‌ها و نهضت‌ها نبوده است و

---

۳۹. مزیت‌های اقبال لاهوری در نگاه شهید مطهری: ۱. آشنایی با فرهنگ غرب ۲. غرب برعکس مسلمانان فاقد یک ایدئولوژی جامع انسانی ۳. تلاش برای یافتن راه‌حلی برای مشکلات مسلمانان ۴. شخصاً انسانی است معنویت‌گرا ۵. علاوه بر اندیشه مرد عمل و مبارزه بودن ۶. قدرت شاعری ۷. علاقه و ارادت به اهل بیت (علیهم‌السلام) ۸. فلسفه خودی ۹. بیرون کشیدن مجدها، عظمت‌ها، و شایستگی‌های امت اسلامی ۱۰. گسترش شعاع اندیشه‌اش به خارج از مرزها.



از این رو در ارزیابی‌های خود درباره برخی شخصیت‌های جهان اسلام و برخی

حرکت‌های استعماری در جهان اسلام دچار اشتباهات فاحش شده است.<sup>۴۰</sup>

چهارمین جریان روشنفکری رویکرد جامعه‌شناختی به دین و طرح شعار بازگشت به خویشتن است که در آثار جلال آل احمد و و در سطح بیشتری آثار دکتر شریعتی نمود یافته است. اختلاف نظرهای استاد و دکتر شریعتی در برهه‌ای از زمان جنبه اجتماعی پیدا می‌کند و در جامعه بازتاب می‌یابد. جمع‌بندی نظر شهید نسبت به شریعتی در اعلامیه سال ۵۶ بیان شده است:

«نسبت‌هایی از قبیل سنی‌گری و وهابی‌گری به او بی اساس است و او در هیچ یک از مسائل اصولی اسلام، از توحید گرفته تا نبوت، معاد، عدل و امامت گرایش غیر اسلامی نداشته است، ولی نظر به این که تحصیلات عالی و فرهنگ او غربی بود، هنوز فرصت و مجال کافی نیافته بود در معارف اسلامی مطالعه وافیه داشته باشد، تا آنجا که گاهی از مسلمات قرآن و سنت و معارف و فقه اسلامی بی‌خبر می‌ماند.»<sup>۴۱</sup>

سومین و بارزترین ویژگی این دوره از حیات استاد، نگرشی است که در جریان اندیشه‌ورزی او رخ می‌دهد. او در این دوره به دنبال طرح‌ریزی نقشه‌ای جامع از علوم انسانی و ارائه اصول کلی و مبنایی از منظر اسلامی است. البته استاد سرمنشا بسیاری از برداشت‌های نادرست از دین را ناشی از شناخت‌های سطحی و کم‌عمق نسبت به دین می‌داند. در این دوره استاد تلاش بیشتری دارد تا مباحث اصیل حوزوی از جمله مباحث فلسفی، منطقی، کلام، عرفان، فقه، اصول فقه و در مجموع جهان‌بینی اسلامی را بیشتر عرضه کند تا بهتر بتواند جلوی انحرافات را بگیرد. او تصریح می‌کند:

---

۴۰. مرتضی مطهری، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۵۲.

۴۱. رسول جعفریان، نزاع سنت و تجدد، ص ۴۹. برای کسب اطلاع کافی پیرامون مناسبات فکری دکتر شریعتی و استاد مطهری می‌توانید به این کتاب مراجعه کنید.



«جلوگیری از هرگونه لغزش فکری در مسائل الهیات، وقتی میسر است که به یک مکتب استدلالی سیستماتیک الهی که پاسخگوی این نیاز باشد، بپیوندیم. معارف اسلامی از این نظر فوق العاده غنی است و می تواند پاسخگوی خوبی به این نیاز باشد.<sup>۴۲</sup>»

وی در این دوران به جای تحلیل جزئی موضوعات به طرح اصول مبانی و چارچوب کلی علم پرداخته است.<sup>۴۳</sup>  
دکتر حداد عادل می گوید:

«در این دوره به طور روشن تر و مشخص تر به حوزه های علوم انسانی از قبیل انسان شناسی، جامعه شناسی، تاریخ، اقتصاد، سیاست و حقوق وارد شده و سعی نموده، این علوم را از بیرون مورد ارزیابی قرار دهد. بی ربط نخواهد بود اگر کارهای او در این دوره در راستای تاسیس نظریات جدید علمی مبتنی بر نگرش اسلامی قلمداد شود.»<sup>۴۴</sup>

### هستی شناسی

هر اندیشمندی، سازه فکری خود را بر اساس مجموعه ای از مبانی سامان می دهد. بخشی از این مبانی اندیشه را اصول هستی شناسی شکل می دهند. به تعبیر شهید هستی شناسی یا جهان بینی، نوع برداشت و طرز تفکری است که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می دارد، زیرساز و تکیه گاه فکری آن مکتب به شمار می رود. این زیرساز و تکیه گاه اصطلاحاً «جهان بینی» نامیده می شود.<sup>۴۵</sup>

۴۲. مرتضی مطهری، علل گرایش به مادی گری، ص ۱۹۰.

۴۳. همان، تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، ص ۴۵۲.

۴۴. همان، ص ۴۵۱.

۴۵. همان، مجموعه آثار، ج ۲، ص: ۷۷.



شهید معتقد است جهان‌بینی ممکن است از سه منبع معرفتی حاصل شود که هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارند و بر این اساس سه نوع هستی‌شناسی خواهیم داشت: هستی‌شناسی علمی، فلسفی و مذهبی. با توجه به این‌که هستی‌شناسی باید اولاً به مسائل اساسی جهان‌شناسی - که به کل جهان مربوط می‌شود نه به جزء خاص - پاسخ دهد؛ ثانیاً یک شناسایی پایدار و قابل اعتماد و جاودانه بدهد نه یک شناسایی موقت و زودگذر؛ ثالثاً آن‌چه ارائه می‌دهد ارزش نظری و واقعیت‌نمایانه داشته باشد نه صرفاً عملی و فنی؛ و روشن است که جهان‌بینی علمی با همه مزایایی که از جهاتی دیگر دارد فاقد نیازهای سه‌گانه بالاست.<sup>۴۶</sup>

هر چند جهان‌بینی فلسفی دقت و مشخص بودن جهان‌بینی علمی را ندارد، در عوض از آن نظر که متکی به یک سلسله «اصول» است و آن اصول اولاً بدیهی و برای ذهن غیرقابل انکارند و با روش برهان و استدلال پیش می‌روند و ثانیاً عام و فراگیرند، طبعاً از نوعی جزم برخوردارند و آن تزلزل و بی‌ثباتی که در جهان‌بینی علمی دیده می‌شود، در جهان‌بینی فلسفی نیست، و هم محدودیت جهان‌بینی علمی را ندارد.<sup>۴۷</sup>

شهید معتقد است اگر هرگونه اظهار نظر کلی درباره هستی و جهان را هستی‌شناسی فلسفی بدانیم، هستی‌شناسی مذهبی خود نوعی هستی‌شناسی فلسفی است؛ اما با ملاحظه مبدا معرفت مسلماً این دو، دو نوع هستی‌شناسی مستقل‌اند. هستی‌شناسی مذهبی علاوه بر دو مزیت جهان‌بینی فلسفی: ثبات و جاودانگی، عموم و شمول، یک ویژگی اختصاصی دارد و آن قداست بخشیدن به اصول جهان‌بینی است. یک جهان‌بینی آنگاه پایه ایمان و حرکت قرار می‌گیرد که رنگ و صبغه مذهبی داشته باشد.<sup>۴۸</sup>

۴۶. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ص ۸۰

۴۷. همان، ص ۸۳

۴۸. همان، ص ۸۴

اوج هستی‌شناسی مذهبی در جهان‌بینی توحیدی تبلور یافته است. جهان‌بینی توحیدی از ناحیه عقل و منطق مورد حمایت است، به حیات و زندگی معنا می‌دهد، آرمان‌ساز و شوق‌انگیز و آرزوخیز است، قدرت تقدس بخشیدن به هدف‌های انسانی و اجتماعی را دارد و در نهایت تعهدآور و مسئولیت‌ساز است. جهان‌بینی اسلامی که شهید بدان معتقد است همین جهان‌بینی توحیدی است. در قله این جهان‌واقعیتی مطلق و نامحدود وجود دارد که مبدا هستی است.<sup>۴۹</sup>

واقعیت‌هایی که انسان از راه حواس خود درک می‌کند و مجموع آن‌ها را جهان می‌نامیم، همه از نقصان‌هایی رنج می‌برند. این واقعیت‌ها محدودند، ثبات ندارند و از حالتی به حالت دیگر تغییر می‌کنند، به غیر خود وابسته‌اند و در پرتو این وابستگی پوشیده از نیازند و هم از نظر اصل هستی و هم از نظر کمالات هستی نسبی‌اند. در مقابل این واقعیت‌های به شدت فقیر و محدود، واقعیتی مطلق قرار دارد که از همه این نقائص دور است. این واقعیت خداست و خداوند یگانه است و شریک و مثلی ندارد. او دارای همه صفات جمالیه است و صفاتش عین ذات و عین یکدیگرند. همه جهان نیز فعل او و نشأت گرفته از اراده اوست. و این است که باید تنها او را پرستید.<sup>۵۰</sup>

جهان‌بینی توحیدی اسلامی جهان را مجموعی از غیب و شهادت می‌داند، یعنی جهان را به دو بخش تقسیم می‌کند: جهان غیب و جهان شهادت. در خود قرآن کریم<sup>۵۱</sup> مکرر از غیب و شهادت، خصوصاً از غیب، یاد شده است. ایمان به «غیب» رکن ایمان اسلامی است. نظام هستی، نظامی حکیمانه است؛ یعنی نه تنها علم و شعور و اراده و مشیت در کار جهان دخیل است، بلکه نظام موجود نظام احسن و اصلح

۴۹. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص: ۸۴.

۵۰. همان، ص ۸۸-۱۱۰.

۵۱. مانند: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» (بقره/ ۳) و «وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ» (انعام/ ۵۹).



است و وضعی دیگر و نظامی دیگر احسن و اصلح از این نظام، ممتنع و ناممکن است؛ جهان موجود کاملترین جهان ممکن است.<sup>۵۲</sup>

از نظر جهان‌بینی توحیدی اسلامی، جهان یک آفریده است و با عنایت و مشیت الهی نگهداری می‌شود؛ اگر لحظه‌ای عنایت الهی از جهان گرفته شود، نیست و نابود می‌گردد. جهان به باطل و بازی و عبث آفریده نشده است؛ هدف‌های حکیمانه در خلقت جهان و انسان در کار است؛ هیچ چیزی نابجا و خالی از حکمت و فایده آفریده نشده است. نظام موجود، نظام احسن و اکمل است. جهان به عدل و به حق برپاست. نظام عالم بر اساس اسباب و مسببات برقرار شده است و هر نتیجه‌ای را از مقدمه و سبب مخصوص خودش باید جستجو کرد. از هر نتیجه و سبب، تنها نتیجه و مسبب مخصوص خود آن را باید انتظار داشت. قضا و قدر الهی وجود هر موجودی را تنها از مجرای علت خاص خودش به وجود می‌آورد. قضا و تقدیر الهی یک شیء، عین قضا و تقدیر سلسله علل اوست.<sup>۵۳</sup>

اراده و مشیت الهی به صورت «سنت»، یعنی به صورت قانون و اصل کلی، در جهان جریان دارد. سنت‌های الهی تغییر نمی‌کند و آنچه تغییر می‌کند بر اساس سنت‌های الهی است. خوبی و بدی دنیا برای انسان بستگی دارد به نوع رفتار انسان در جهان و طرز برخورد و عمل او. نیکی و بدی کارها گذشته از آن‌که در جهان دیگر به صورت پاداش یا کیفر به انسان باز می‌گردد، در همین جهان نیز خالی از عکس‌العمل نیست.<sup>۵۴</sup>

۵۲. شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۴۳

۵۳. همان، ص ۸۶

۵۴. همان، ص ۸۷

## معرفت‌شناسی

مباحث معرفت‌شناسی در آثار شهید مطهری از برجستگی خاصی برخوردارند. از این روست که استاد از جنبه‌های مختلف به این موضوع پرداخته است.<sup>۵۵</sup> دلیل آن فراوانی شبهات معرفت‌شناختی و توجه فیلسوفان معاصر مغرب‌زمین به این مباحث است. بسیاری از اندیشه‌ورزی‌های استاد در مباحث معرفتی‌شناسی در حقیقت تبیین روان اندیشه گذشتگان است که در قالبی زیبا و متناسب با نیاز زمان توسط ایشان ارائه می‌گردد. بخش دیگر این اندیشه‌ورزی‌ها ابتکارات خود ایشان یا علامه طباطبایی است که توسط وی بسط و توسعه یافته است.<sup>۵۶</sup>

مهم‌ترین پرسش‌های معرفت‌شناسی این است که آیا می‌توان به شناخت واقعیت‌ها دست یافت و آیا حقایق خارجی، قابل شناساندن است یا خیر؟ گستره و دامنه شناخت و شناساندن تا کجاست؟<sup>۵۷</sup> در اولین گام باید از امکان شناخت پرسید. شهید می‌گوید منظور ما از واقعیت خود واقع و نفس الامر است و مراد از حقیقت، ادراکی است که مطابق با واقع باشد.<sup>۵۸</sup> او به امکان شناخت معتقد است و دلایلی از جمله خطای حواس یا عقل که گاه انسان را در دست‌یابی به واقعیت دچار اشتباه می‌کنند، دلیلی بر عدم امکان شناخت نمی‌داند. او می‌گوید بنابراین چنین باید گفت:

«انسان در بعضی از ادراکات خود اشتباه می‌کند و حال آن‌که جزما در بعضی از ادراکات خود اشتباه ندارد. پس باید مسئله را تقسیم کنیم، باید دنبال یک معیار برویم، ببینیم آیا می‌توانیم با یک معیاری آن مواردی را که اشتباه

---

۵۵. استاد در سه کتاب مساله شناخت، اصول فلسفه و روش رئالیسم و شرح مبسوط منظومه به این مباحث پرداخته است.

۵۶. حسن معلمی، معرفت‌شناسی از دیدگاه شهید مطهری، مجله معرفت، ش ۲۹

۵۷. عبدالحسین خسروپناه، حکیم دین شناس، همشهری، ۸۴/۲/۱۸

۵۸. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۶، ص ۱۵۶



می‌کنیم به یک شکل اصلاح کنیم یا نه؟»<sup>۵۹</sup>

شهید مانند پیشینیان خود علم را به دو گونه حضوری و حصولی تقسیم می‌کند. علم حضوری یعنی علمی که عین واقعیت معلوم پیش عالم حاضر است و عالم شخصیت معلوم را می‌یابد، مانند علم نفس به ذات خود و حالات وجدانی و ذهنی خود و علم حصولی یعنی علمی که واقعیت معلوم پیش عالم حاضر نیست، فقط مفهوم و تصویری از معلوم پیش عالم حاضر است؛ مثل علم نفس به موجودات خارجی از قبیل زمین، آسمان، درخت، انسان‌های دیگر، اعضای بدن خود شخص ادراک‌کننده.<sup>۶۰</sup> اینجاست که موضوع مطابقت با واقع طرح می‌گردد، چرا که علم حضوری واسطه‌ای ندارد تا خطا در آن رخ دهد.

شهید به تبع فلاسفه مسلمان مفاهیم کلی را به سه دسته ماهوی، منطقی و فلسفی تقسیم می‌کند. مفاهیم ماهوی همان معقولات اولیه‌اند که در پاسخ از چیستی اشیاء و موجودات خارجی مطرح می‌گردند و مابازاء خارجی دارند. دو دسته دیگر از معقولات ثانیه به شمار آمده که مابازاء خارجی ندارند. مفاهیم منطقی همچون مفهوم کلی و جزئی و ویژگی موجودات خارج از ذهن نیست، بلکه فقط خواص مفاهیم ذهنی را نشان می‌دهند. مفاهیم فلسفی خود در خارج مابازاء مستقل ندارند، اما نحوه وجود واقعیات عینی را گزارش می‌دهند، به عبارت دیگر تنها منشا انتزاع خارجی دارند، مانند مفهوم علت و معلول، وجوب و امکان.<sup>۶۱</sup>

شهید مطهری به پیروی از علامه طباطبایی، غالب مفاهیم فلسفی را برگرفته از علوم حضوری می‌داند؛ به خصوص در رابطه علت و معلول معتقد است که انسان آن را در نفس خود می‌یابد. شهید می‌گوید:

۵۹. مساله شناخت، ص ۲۴.

۶۰. مجموعه آثار، ج ۶، ص ۱۰۳.

۶۱. شرح مبسوط منظومه، ج ۳، ص ۲۸۳ ۳۱۰ ج ۲، ص ۶۰ ۱۲۱.

«نفس، هم خود را می‌یابد و هم آثار افعال خود را از قبیل اندیشه‌ها و افکار. این یافتن به طریق حضوری است، نه حصولی؛ یعنی نفس با واقعیت خود، عین واقعیت آن‌ها را می‌یابد و چون معلولیت عین واقعیت وجود آن‌هاست، پس ادراک این آثار، عین ادراک معلولیت آن‌هاست. به عبارت دیگر، نفس به علم حضوری، هم خود را می‌یابد و هم آثار و افعال خود را و این آثار و افعال را متعلق به خود می‌یابد و این نحو درک کردن عین ادراک معلولیت است.<sup>۶۲</sup>

می‌توان این بخش از سخنان ایشان را از نفیس‌ترین مطالب معرفت‌شناسی به حساب آورد؛ مطالبی که پاسخ‌گوی شبهات هیوم و کانت است؛ زیرا آن‌ها به دلیل نیافتن منشأ حسی برای مفاهیمی همچون علت و معلول، قائل به ذهنی بودن آن‌ها شدند.<sup>۶۳</sup>

شهید مانند استادش علامه طباطبایی همه مفاهیم تصویری اعم از ماهوی، منطقی و فلسفی را به علم حضوری ارجاع می‌دهد. بر این اساس حتی مفاهیم برگرفته از حواس ظاهری (حواس پنج‌گانه) در حقیقت برگرفته از انفعالات نفس انسان از حواس ظاهری است. شهید می‌گوید:

«ما از یک فرمول کلی پیروی می‌کنیم و آن این‌که «هر علم حصولی مسبوق به علم شهودی حضوری است خواه آن علم شهودی حضوری به وسیله یکی از حواس ظاهره یا باطنه معمولی که همه آن‌ها را می‌شناسند حاصل شود و یا به وسیله دیگر».<sup>۶۴</sup>

در اینجا باید پرسید اگر هر علم حصولی به دریافت حضوری انسان بر می‌گردد و علم حضوری خطاناپذیر است، پس خطاهای انسان در کجا واقع می‌شوند؟ شهید

۶۲. مرتضی مطهری، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۲، ص ۶۲.

۶۳. حسن معلمی، معرفت‌شناسی از دیدگاه شهید مطهری.

۶۴. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۶، ص ۲۶۴.

خطای حواس را به حس نسبت نمی‌دهد، بلکه معتقد است عقل در مقام تطبیق دچار خطا می‌شود. به عبارت دیگر حس در آنچه می‌یابد و ذهن در تصویرسازی از انفعال نفسانی خطا نمی‌کند، اما عقل ممکن است در مقام تطبیق یافت ذهنی با خارج دچار اشتباه شود.<sup>۶۵</sup> شهید در این دیدگاه متأثر از محقق طوسی و علامه طباطبایی است.<sup>۶۶</sup>

### انسان‌شناسی

شهید مطهری به رسم اندیشمندان متعهد به دین بیش از آن‌که بخواهد خود گمانه‌زنی کند، در پی فهم حقایق اشیاء از منبع وحی است. او تلاش دارد نگاه صحیح و کامل اسلام پیرامون موضوعات مختلف را به درستی کشف کند. با این رویکرد وقتی می‌خواهد انسان را بشناسد، به سراغ قرآن رفته و از آن به عنوان سخنان خالق انسان در شناخت انسان بهره می‌گیرد. او انسان را اینگونه تعریف می‌کند:

«انسان حیوانی است که با دو امتیاز علم و ایمان از دیگر جانداران امتیاز یافته است.»<sup>۶۷</sup>

بالاترین مدح‌ها و بالاترین مذمت‌ها در مورد انسان وارد شده است. انسان خلیفه خدا در زمین است. ظرفیت علمی انسان بزرگترین ظرفیت‌هایی است که یک مخلوق ممکن است داشته باشد. او فطرتی خدا آشنا دارد؛ به خدای خویش در عمق وجدان خویش آگاهی دارد. در سرشت انسان علاوه بر عناصر مادی که در جماد و گیاه و حیوان وجود دارد، عنصری ملکوتی و الهی وجود دارد. انسان ترکیبی است از طبیعت و ماوراء طبیعت، از ماده و معنی، از جسم و جان. آفرینش انسان، آفرینشی حساب‌شده است، تصادفی نیست. انسان موجودی انتخاب شده و برگزیده است. او

۶۵. مرتضی مطهری، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۱، ص ۱۳۲.

۶۶. حسن معلمی، معرفت‌شناسی از دیدگاه شهید مطهری.

۶۷. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۲۵.



شخصیتی مستقل و آزاد دارد، امانتدار خداست، رسالت و مسئولیت دارد. این انسان از سوی دیگر بسیار ستمگر و بسیار نادان معرفی شده است. نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است. آن‌گاه که خود را مستغنی می‌بیند طغیان می‌کند. عجز و شتابگر است. تنگ‌چشم و ممسک است. حریص آفریده شده است. اگر بدی به او رسد جزع کننده است و اگر نعمت به او رسد بخل‌کننده است. شهید معتقد است این دوگانگی در مدح و ذم نشانه دو سرشتی بودن انسان نیست. این دوگانگی نشان می‌دهد که انسان همه کمالات را بالقوه دارد و باید آن‌ها را به فعلیت برساند و این خود اوست که باید سازنده و معمار خویشتن باشد.<sup>۶۸</sup>

انسان با همه وجوه مشترکی که با دیگر جانداران دارد، از سه امتیاز ویژه نسبت به آن‌ها برخوردار است. اول قدرت شگفت‌انگیز انسان در ادراک خود و جهان پیرامون، دوم این‌که انسان بر خلاف سایر موجودات تنها تحت تاثیر جاذبه‌های مادی نیست. جاذبه‌های معنوی همچون علم و دانایی، خیر اخلاقی، جمال و زیبایی، تقدیس و پرستش نیز برای انسان دارای کشش و جذابیت هستند. و سوم این‌که انسان در چگونگی متاثر شدن از جاذبه‌ها نیز با دیگر موجودات متفاوت است. انسان نسبت به جاذبه‌های اطراف خود آگاهی و قدرت انتخاب یا رد آن‌ها را دارد.<sup>۶۹</sup>

اسلام توجه خاصی به خودشناسی دارد و از انسان می‌خواهد تا «خود» را و جا و موقع خویشتن را در جهان آفرینش تشخیص دهد. آن «خود» همان چیزی است که «روح الهی» نامیده می‌شود و با شناختن آن «خود» است که انسان احساس شرافت و کرامت و تعالی می‌کند و خویشتن را از تن دادن به پستی‌ها برتر می‌شمارد، به قداست خویش پی می‌برد، مقدسات اخلاقی و اجتماعی برایش معنی و ارزش پیدا می‌کند.<sup>۷۰</sup>

۶۸. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۲۷۴.

۶۹. همان، ص ۲۷۵-۲۸۳.

۷۰. همان، ص ۲۸۴.



انسان توان تحصیل چندین نوع خودآگاهی از جمله خودآگاهی فطری، خودآگاهی فلسفی، خودآگاهی جهانی، خودآگاهی اجتماعی و طبقاتی، خودآگاهی ملی، خودآگاهی انسانی، خودآگاهی عارفانه و خودآگاهی پیامبرانه را داراست.

انسان موجودی مختار است و قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب دارد. البته انسان محدودیت‌های فراوانی چون وراثت، محیط طبیعی و جغرافیایی، محیط اجتماعی، تاریخ و عوامل زمانی دارد که آزادی‌اش را در دایره‌ای محدود می‌کند. انسان در داخل همین دایره محدود است که می‌تواند آینده‌ای سعادت‌بخش برای خود انتخاب کند یا آینده‌ای شقاوت‌آلود.<sup>۷۱</sup>

انسان با توجه به توانایی‌های منحصر به فرد خود استعداد تکلیف‌پذیری دارد. انسان رها و آزاد نیست بلکه تکالیفی بر گردن خود دارد. هر فردی از انسان با احراز شرایطی از جمله بلوغ، عقل، اطلاع و آگاهی، قدرت و توانایی و آزادی و اختیار موظف است تکالیفی را که از سوی خالق او بر عهده‌اش قرار گرفته است به انجام رساند.<sup>۷۲</sup>

یکی از ویژگی‌های انسان از نگاه شهید، درد داشتن است. صاحب درد بودن یکی از ممیزات انسان نسبت به حیوان است. حتی «معیار انسانیت و ارزش ارزش‌ها درد داشتن است».<sup>۷۳</sup>

## روش‌شناسی

در جهان اسلام روش‌های فکری متعددی حضور داشته و دارند. این روش‌ها از جنبه‌های مختلف از یکدیگر متمایزند و می‌توان پاره‌ای از آن‌ها را اینگونه نام برد:

۷۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۲۹۱.

۷۲. همان، ص ۲۹۳-۳۰۰.

۷۳. همان، یادداشت‌ها، ج ۱، ص ۷۱.



روش فکری فقهی، تفسیری، حدیثی، ادبی، سیاسی، اخلاقی، عرفانی، فلسفی، کلامی و سایر روش‌ها. شهید مطهری سخن را منحصر به روش‌هایی می‌کند که به معنی عام، رنگ فلسفی دارند یعنی به دنبال تبیین نوعی هستی‌شناسی و جهان‌شناسی هستند. او معتقد است در جهان اسلام چهار روش فکری وجود دارد که البته در دوران متاخر روشی جدید به آن‌ها افزوده می‌شود.<sup>۷۴</sup>

روش اول: روش فلسفی استدلالی مشائی که پیروان زیادی دارد و مکتب ابن‌سینا مظهر و نماینده کامل آن است. در این روش تکیه فقط بر استدلال و برهان عقلی است و بس.

روش دوم: روش فلسفی اشراق که پیروان کمتری دارد و شیخ اشراق به عنوان احیاگر این روش شناخته می‌شود. در این روش به دو چیز تکیه می‌شود: استدلال و برهان عقلی، و دیگر مجاهده و تصفیه نفس. به حسب این روش، تنها با نیروی استدلال و برهان عقلی نتوان حقایق جهان را اکتشاف کرد.

روش سوم: روش سلوکی عرفانی که تنها مبتنی بر تصفیه نفس بر اساس سلوک الی الله و تقرب به حق تا مرحله وصول به حقیقت است و هیچ اعتمادی به استدلالات عقلی ندارد. این روش پیروان زیادی داشته و محی‌الدین عربی به عنوان مظهر و نماینده کامل این جریان شناخته می‌شود.

روش چهارم: روش استدلالی کلامی که مانند فلسفه مشاء بر استدلالات عقلی تکیه دارد. گرچه با فلسفه مشاء در اصول و مبادی عقلی و همچنین در تعهدش به دفاع از حریم اسلام متفاوت است. این روش به نوبه خود به سه روش کلامی معتزلی، اشعری و شیعی منشعب می‌شود.<sup>۷۵</sup>

روش پنجم: حکمت متعالیه که به اعتقاد شهید، چهار جریان گذشته را در یک

۷۴. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۵، ص ۱۴۸.

۷۵. همان، ص ۱۵۰.



نقطه به هم رسانید و جمعاً جریان واحدی را به وجود آورد. صدرالمতألهین مؤسس این روش است که از لحاظ روش شبیه مکتب اشراقی است یعنی به اشراق و کشف و شهود توأمأ معتقد است ولی از نظر اصول و از نظر استنتاجات متفاوت است. شهید مطهری می‌گوید:

«در مکتب صدرالمتألهین بسیاری از مسائل مورد اختلاف مشأ و اشراق، یا مورد اختلاف فلسفه و عرفان، و یا مورد اختلاف فلسفه و کلام برای همیشه حل شده است. فلسفه صدرالمتألهین یک فلسفه التقاطی نیست، بلکه یک نظام خاص فلسفی است که هر چند روش‌های فکری گوناگون اسلامی در پیدایش آن مؤثر بوده‌اند باید آن را نظام فکری مستقلى دانست.»<sup>۷۶</sup>

شهید مطهری در پرتو استعداد سرشار، تلاش بی‌وقفه و حضور طولانی در حوزه علمیه با روش‌های گوناگون رایج در دنیای اسلام آشنا و بر آن‌ها مسلط بود. او به گونه‌ای میان علوم عقلی و نقلی و شهودی جمع کرد که بی‌شک می‌توان او را فیلسوفی برجسته، متکلمی دغدغه‌مند و مدافع دین، عارفی شهودگرا و مفسری قرآن‌شناس معرفی کرد.<sup>۷۷</sup> وی نه تنها با روش‌های فقهی، تفسیری، فلسفی، کلامی و حدیثی آشنا بود، بلکه در آن‌ها به قدرت اجتهاد و نظریه‌پردازی رسیده بود. برخی<sup>۷۸</sup> این ویژگی او را اجتهاد فرارشته‌ای نامیده‌اند و مصادیقی از این نگاه چند جانبه را در موضوع ازدواج موقت، پوشش بانوان، اصالت فرد یا اجتماع و سهم الارث زن تبیین کرده‌اند.

برخی وجه غالب روش شهید را روش کلامی دانسته و او را به عنوان یک متکلم

۷۶. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۵، ص ۱۵۲

۷۷. عبدالحسین خسروپناه، حکیم دین‌شناس

۷۸. علی اکبر کلانتری، اجتهاد فرارشته‌ای راز اصلی موفقیت آیت الله شهید مطهری، فصل‌نامه فقه،



بزرگ معرفی می‌کنند. این سخن از سوئی قرین واقع است و از سوی دیگر مورد مناقشه. استاد مطهری در مورد متکلمین چنین می‌گوید:

«تعبیر صحیح و تعریف و توصیف واقعی این است که بگوییم متکلمین کسانی هستند که نه در استدلال‌ات عقلی متد و روش صحیحی دارند و نه در استخراج معارف از اصول و مبانی دینی، بدون آن‌که کلید فهم مسائل عقلی در دستشان باشد وارد مباحث عقلی می‌شوند و در برخورد با مسائل دینی نیز طرز تفکری سطحی و عامیانه دارند»<sup>۷۹</sup>

بنابراین اگر مراد از متکلم کسی است که با روش متکلمانه می‌اندیشد، بی‌شک نمی‌توان روش غالب اندیشه‌ورزی او را متکلمانه دانست. شهید خود در درس روش‌های فکری اسلامی یکی از ویژگی‌های ممتاز متکلمین را تعهد آنان به دفاع از حریم اسلام می‌داند. با توجه به این ویژگی می‌توان رنگ و بوی افکار و تلاش‌های خردمندانه او را متکلمانه دانست؛ چرا که او در همه مراحل زندگی خود را متعهد به دفاع از دین می‌دانست. او حتی در طرح مباحث فلسفی و اجتماعی، به موضوعاتی می‌پرداخت که دین در آن عرصه مورد هجوم قرار گرفته است.

شهید در حقیقت وامدار جریان پنجم یعنی حکمت متعالیه است و از روش مترقی آن در اندیشه‌های خود بهره می‌گیرد. از زاویه‌ای دیگر می‌توان روش استاد را روشی عقلی - نقلی دانست. او در کنار بهره‌مندی از معارف ناب اسلام، از جرعه‌های عقلی فلاسفه نیز سیراب می‌شود.

در بحث قرائت‌های متفاوت از دین، عده‌ای شهید مطهری را انحصارطلب می‌دانستند، زیرا معتقدند او تنها فهم خودش را درست می‌داند و برداشت دیگران از دین را التقاطی، مارکسیستی و لیبرالیستی با نقاب اسلام می‌داند. اما شهید در مقابل



اندیشه تعدد قرائت‌ها از دین، معتقد است در قطعیات دین و عقل، آنجایی که نص و محکّمات است یک قرائت بیشتر امکان ندارد. این مخصوص دین هم نیست بلکه در تمام علوم یک محکّمات و اصولی است که اگر کسی خلافش را بگوید، نمی‌گویند که او عالمی در این علم است، اما شهید اختلاف قرائت در متشابهات و ظنیات، را قبول دارد. متفکرین دینی نیز می‌توانند با هم اختلاف داشته باشند، اما در اینجا نیز یک شرط عقلایی وجود دارد و آن پیروی از متدولوژی درست و استدلال روشمند است.<sup>۸۰</sup>

### نتیجه‌گیری

چهارمین محل اقامت شهید مطهری، تهران است. دوران بیست و هشت‌ساله زندگی او در تهران شامل سه دوره متفاوت است. آشنایی با دنیای جدید فکری ایران از نزدیک و شروع به پاسخ‌گویی به اشکالات و شبهات فروخته‌سالیان دراز علیه مذهب، دو مولفه بارز فعالیت‌های شهید در دوره اول می‌باشند. دوره دوم نیز دارای دو ویژگی برجسته می‌باشد. اولین ویژگی گسترش ابعاد فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و خدمات فرهنگی است و دومین آن‌ها، مقابله فکری با روشنفکرانی است که دست به التقاط دین با آموزه‌های جدید غربی زده‌اند. سومین دوره زندگی شهید مطهری در تهران علاوه بر اوج‌گیری دو ویژگی دوره قبل، دارای مولفه جدیدی است. بخشی از تلاش وی در این دوره معطوف به طرح‌ریزی نقشه‌ای جامع برای علوم اسلامی و انسانی است. وی اوج هستی‌شناسی مذهبی را در جهان‌بینی توحیدی متبلور یافته می‌بیند. در معرفت‌شناسی نیز معتقد به امکان شناخت است و خطای حس و عقل را دلیل انکار معرفت نمی‌داند. وی مانند استادش همه مفاهیم تصویری اعم از ماهوی،

۸۰. حسن رحیم پور ازغدی، هزار دستان فکر و کمیته هوشیاری، نشریه کیهان، چهارده فروردین ۸۴



منطقی و فلسفی را به علم حضوری ارجاع می‌دهد. انسان نیز در نگاه او خلیفه خدا در زمین است که دارای فطرتی خدا آشنا در عمق وجدان خویش می‌باشد. او در اندیشه‌هایش از روشی عقلی - نقلی مبتنی بر حکمت متعالیه بهره می‌گیرد.





## منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی، *تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از آغاز تا دوره معاصر*، تهران، نشر علم، چاپ هفتم، ۱۳۸۹.
۲. باقی نصرآبادی، علی، *روش شناسی استاد مطهری در نقد اندیشه ها*، مجله مشکوه، شماره ۸۲، بهار ۱۳۸۳.
۳. برخوردار، زینب، *تأمل روش شناختی در مطهری شناسی؛ طبقه بندی دیدگاه ها درباره شهید مطهری*، مجله خردنامه همشهری، شماره ۳، خرداد ۱۳۸۵.
۴. پارسانیا، حمید، *حدیث پیمانہ پژوهشی در انقلاب اسلامی*، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۷۶.
۵. پارسانیا، حمید، *هفت موج اصلاحات (نسبت تئوری و عمل)*، قم، موسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۶. جعفریان، رسول، *نزاع سنت و تجدد*، قم، انتشارات رئوف، ۱۳۷۱.
۷. خسروپناه، عبدالحسین، *حکیم دین شناس*، نشریه همشهری، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۴.
۸. رحیم پور ازغدی، حسن، *هزار داستان فکر و کمیته هوشیاری*، نشریه کیهان، ۱۴ فروردین ۱۳۸۴.
۹. طوسی، خواجه نصیرالدین، *اخلاق ناصری*، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۶.
۱۰. فارابی، ابونصر، *السیاسة المدنیة*، تهران، مکتبه الزهراء، ۱۳۶۶.
۱۱. کلانتری، علی اکبر، *اجتهاد فرارشته ای راز اصلی موفقیت آیت الله شهید مطهری*، فصلنامه فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، شماره ۳۹.
۱۲. مطهری، مرتضی، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.
۱۳. مطهری، مرتضی، *انسان و سرنوشت*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵.
۱۴. مطهری، مرتضی، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، تهران، انتشارات صدرا، چاپ



بیست و هفتم، ۱۳۷۸.

۱۵. مطهری، مرتضی، *داستان راستان*، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و دوم، ۱۳۷۴.

۱۶. مطهری، مرتضی، *شرح مبسوط منظومه*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۲.

۱۷. مطهری، مرتضی، *علل گرایش به مادیگری*، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۱.

۱۸. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران، انتشارات صدرا، چاپ نهم، ۱۳۸۲.

۱۹. مطهری، مرتضی، *مساله شناخت*، تهران، انتشارات صدرا، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۰.

۲۰. مطهری، مرتضی، *نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر*، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۷۸.

۲۱. مطهری، مرتضی، *یادداشت ها*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۴.

۲۲. معلمی، حسن، *معرفت شناسی از دیدگاه شهید مطهری رحمه الله*، مجله معرفت، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۷۸.

۲۳. واتقی، محمد حسین، *مصلح بیدار مجموعه مصاحبه ها، مقالات، سخنرانی ها و ... درباره زندگانی و شخصیت شهید آیه الله مطهری*، تهران، صدرا، ۱۳۷۸-۱۳۷۹.